

فرهنگ و جامعه‌ی آرمانی اسلام

محمدنسیم جعفری *

چکیده

اندیشمندان لیبرال غربی، در دوران مدرنیته در ساخت و پرداخت جامعه‌ی آرمانی، عموماً گرفتار نوعی غفلت از اندیشه‌ی معنوی بودند و با رویکرد اومانیستی، به مبدأ آسمانی پشت کرده و جامعه‌ی آرمانی را در سایه‌ی تحقق فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب امکان پذیر می دانستند. در دوره‌ی پست مدرنیسم نیز نظریه پردازانی همچون فوکویاما، آلون تافلر، واترز، هانتینگتون، در پیش بینی آینده‌ی جهان، نه تنها انسان را به پایان تاریخی پُر از صلح و رفاه، نوید نمی دهند، بلکه جنگ جهانی سوم و برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را پیش بینی می کنند، هرچند اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، در نهایت، پیروزی فرهنگ غرب را در این برخوردها قطعی می دانند.

از سوی دیگر، طرح جامعه و فرهنگ آرمانی، در قالب اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، یک باور دینی فراگیر در بین انسان‌ها بوده است؛ زیرا در ادیان مختلف چنین اعتقادی به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته است و منجی با تعبیر مختلفی همچون «کالکی» در آیین هندو «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت، «مهدی (عج)» در فرهنگ اسلامی

دانش پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی / جامعه المصطفی العالمیه / مجتمع آموزش عالی علوم انسانی.

یادشده است. چنین تعابیر و باورهایی به‌رغم تفاوت‌های خاص خود، در تأکید بر ظهور یک منجی جهت گشودن راه جدیدی فراروی انسان، در جهت نیل به سعادت ابدی، مشترک هستند. ازاین‌رو، مهدویت و منجی‌گرایی دغدغه‌ی تمامی انسان‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است و در روزگار ما نیز که انسان معاصر دچار ظلم و بی‌عدالتی‌ها در عرصه‌ی جهانی است، این مسئله بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، فرهنگ مهدوی، جامعه‌ی آرمانی، عصر ظهور.

مقدمه

بشر، از همان آغاز زندگی در کره‌ی زمین، همواره زندگی اجتماعی همراه باسعادت و خوشبختی را در سر داشته که برای رسیدن به آن - همانند تأمین نیازهای اولیه‌ی خود همچون آب و غذا - تلاش نموده است. تصویر زندگی اجتماعی آرمانی و ایده‌آل، موضوعی است که در طول تاریخ، فکر و ذهن متفکران و فیلسوفان اجتماعی را نیز به خود مشغول داشته و نام‌آورانی همچون افلاطون، ارسطو و فارابی تلاش کرده‌اند تا جامعه‌ی آرمانی را برای جوامع انسانی، ترسیم نمایند.

در این میان، نام افلاطون و نیک‌شهر یا «آتلانتیس» او از همه مشهورتر است. ایشان در سراسر کتاب «جمهور» و در برخی رساله‌های دیگرش، طرح خود را که بیشتر صبغه‌ی سیاسی دارد، عرضه کرده است؛ زیرا او در تمدنی می‌زیسته که صور متنوعی از حکومت و کشورداری را تجربه کرده و ناکامی نظام‌های سیاسی را در تأمین سعادت جامعه‌ی انسانی دیده بود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۴۱۱)

اگوستین، در «شهر خدا» به ترسیم جامعه‌ی آرمانی در ورای این جهان می‌پردازد. فرانسیس بیکن، در «آتلانتیس نو» جامعه‌ای را ترسیم می‌نماید که

بیشتر شبیه آکادمی پیشرفته با تحقیقات گسترده‌ی علمی، صنعتی و فرهنگی است که حاکمان آن نیز عالمان و اندیشمندان هستند. مارکس، در دیدگاه کمونیستی خود با قاطعیت، وعده‌ی فرارسیدن جهان و دنیایی را می‌دهد که در آن برابری کامل، فراوانی نعمت‌های مادی زندگی و کمال عدالت اجتماعی برقرار است. (مؤسسه‌ی آینده‌ی روشن، ۱۳۷۶: ۸۸)

سابقه‌ی منجی‌باوری نزد مسلمانان، به صدر اسلام برمی‌گردد. زیرا نخستین‌بار نویدهای ظهور مردی از تبار پیامبر گرامی اسلام (ص) باشهرت مهدی (عج) به‌وسیله‌ی خود ایشان داده شد. مردی که حاکمیت جهانی اسلام را بر پا داشته و عدالت و انصاف را به معنای واقعی کلمه پیاده خواهد نمود. روایات فراوانی در این زمینه، در جوامع روایی شیعه و سنی از پیامبر اسلام (ص) نقل گردیده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. سپس ائمه‌ی شیعه - به‌خصوص امام جعفر صادق (ع) که در دوره‌ی ایشان فرصت ویژه‌ای برای بیان معارف شیعی پدید آمد و دانشگاه جعفری شکل گرفت - هرکدام در دوره‌ی خودشان، مسلمانان را به‌طور عام و شیعیان را به شکل خاص بشارت به ظهور چنین مردی داده و مباحث غیبت، انتظار، فضیلت انتظار و وظایف منتظران و سرانجام حاکمیت مطلق اسلام و فرهنگ آرمانی اسلام را مطرح نموده‌اند. همان‌گونه که اشاره شد در این نوشتار به ویژگی‌ها و شاخصه‌های فرهنگ مهدوی که همان فرهنگ آرمانی اسلام است، پرداخته خواهد شد.

۲. تعریف فرهنگ

۲_۱. تعریف لغوی

۷ «فرهنگ» یا «فرهنگ» در لغت به معنای علم، دانش، عقل، ادب، بزرگی، نیکویی، شکوهمندی، فضیلت، وقار، هنر، معرفت و... آمده است. (آشوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۰)، در فرهنگ فارسی معین، فرهنگ با این کلمات تعریف‌شده

است: ادب، تربیت دانش، علم، معرفت، مجموعه‌ی آداب و رسوم. (معین، ۱۳۷۵: ۴۱۱).

۲_۲. تعریف اصطلاحی

در اصطلاح، بیش از پانصد تعریف و حتی برخی تا هزار تعریف را برای واژه‌ی فرهنگ برشمرده‌اند. دلیل فراوانی تعاریف فرهنگ، این است که هر دانشمند بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که برای فرهنگ در نظر گرفته است، تعریف متناسب با آن‌ها را ارائه نموده است. بررسی و بیان آن‌ها از یک‌سو، از توان این نوشتار خارج است و از سوی دیگر، مفید فایده نبوده و ما را از هدف اصلی دور می‌سازد؛ لذا در اینجا، تنها به بیان تعریف موردنظر (مختار)، اکتفا می‌کنیم.

۲_۲_۱. تعریف برگزیده‌ی فرهنگ

فرهنگ عبارت است از مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و تکنولوژی که افراد انسانی در طول سال‌های طولانی بدان دست‌یافته‌اند و آن را از نسلی به نسل دیگر، انتقال داده‌اند.

۳. تعریف جامعه

برای جامعه نیز مانند فرهنگ، تعاریف گوناگونی بیان شده است. ما در اینجا صرفاً به تعریف بروس کوئن که نسبتاً جامع و با بحث ما هماهنگ‌تر است، بسنده می‌کنیم:

«جامعه به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مدت‌زمان درازی را باهم زندگی کرده باشند، سرزمینی را در اشغال خود داشته باشند و سرانجام، توانسته باشند خود را به‌عنوان یک واحد اجتماعی ممتاز از گروه‌های دیگر، سازمان داده باشند.» (کوئن، ۱۳۸۸: ۳۹).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، عنصر اصلی در تشکیل جامعه، فرهنگ است؛ زیرا فرهنگ است که یک جامعه را از جوامع دیگر، متمایز می‌سازد.

۴. جامعه و فرهنگ

جامعه و فرهنگ قابل تفکیک نیست. بروس کوئن در این زمینه می‌گوید: «فرهنگ و جامعه نمی‌توانند جدا از همدیگر وجود داشته باشند. هیچ جامعه‌ای بدون فرهنگ ویژه‌اش نمی‌تواند وجود داشته باشد.» (کوئن، ۱۳۸۸: ۳۹) شاید بهترین تعبیر را در خصوص جامعه و فرهنگ، سیف‌الله سیف‌اللهی، به‌کاربرده باشد، ایشان بابیان بسیار جالب می‌گوید:

جامعه‌ی انسانی و فرهنگ منبعث از آن، به‌قدری تافته و بافته‌ی هم هستند که جدایی بین آن دو ناممکن است. این دو لازم و ملزوم همدیگرند؛ اما گاهی ضرورت مطالعات اجتماعی ایجاب می‌کند که این دو، به‌صورت انتزاعی از یکدیگر، تفکیک شوند تا مطالعه و بررسی آن‌ها به‌راحتی امکان‌پذیر گردد. (سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۱۶).

بنابراین در این نوشتار، جامعه و فرهنگ به یک معنی به‌کاررفته است. به این معنا که جامعه‌ی آرمانی و فرهنگ آرمانی، به‌صورت مترادف در نظر گرفته‌شده است.

۵. عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ

همان‌گونه که در تعریف‌ها دیده می‌شود، مؤلفه‌هایی که تقریباً در همه‌ی تعاریف به آن‌ها، توجه شده چهار مؤلفه‌است که عبارت‌اند از: باورها، ارزش‌ها، هنجارها و تکنولوژی. اولسون، در توضیح و بیان این چهار مؤلفه‌ی می‌گوید: در باورها، به دنبال این هستیم که چه چیزی وجود دارد، به این معنا که در باورها، ما در پی حقیقت هستیم؛ در ارزش‌ها، به دنبال این هستیم که چه باید باشد، یعنی در جست‌وجوی بایدها و نبایدها هستیم؛ در هنجارها، در پی این هستیم که چه چیزی انجام شود و چگونه انجام شود؛ و درنهایت تکنولوژی، ابزاری است که انجام امور یادشده را برای ما فراهم می‌سازد. (افروغ، ۱۳۷۹: ۱۹).

عماد افروغ، برای فرهنگ شش مؤلفه را بیان کرده است که عبارت‌اند از: جهان‌بینی، ارزش‌ها، گرایش‌ها، گنش‌ها، نمادها و تکنولوژی؛ اما بیشتر فرهنگ‌شناسان، عناصر فرهنگ را به دودسته‌ی کلی یعنی عناصر معنوی (باورها، ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها، حقوق) و عناصر مادی (نمادها، تکنولوژی، تولیدات)، تقسیم نموده‌اند. (متقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۸).

درهرحال، مطابق تعریفی که ما از فرهنگ ارائه دادیم، عناصر آن عبارت‌اند از: باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و تکنولوژی که هریک از آن‌ها، به‌صورت بسیار کوتاه توضیح داده می‌شود.

۵_۱. باورها

باورها عبارت است از مجموعه اندیشه‌ها، آرمان‌ها، اهداف و اعتقادات بنیادی و ریشه‌ای که لایه‌ی زیرین فرهنگ را تشکیل می‌دهد و دیگر عناصر فرهنگی بر مبنای آن شکل می‌گیرد.

شهید مطهری معتقد است، آنچه انسان را از حیوان متمایز می‌سازد، دو ویژگی بینش‌ها و گرایش‌ها است، ایشان دو خصوصیت را ملاک انسانیت و منشأ فرهنگ و تمدن خوانده و می‌گوید:

«از آنجایی که باورها و اعتقادات مشترک انسان، بنیادی‌ترین بینش انسان است. در نتیجه، تمایز بنیادی انسان از حیوان نیز در باورهایشان نهفته است و باورها که از آن، به جهان‌بینی نیز تعبیر می‌شود به معنای مجموعه‌ای از بینش‌ها، تفسیرها و تحلیل‌ها درباره‌ی جامعه و انسان است.» (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۲، ۲۲).

۵_۲. ارزش‌ها

ارزش‌ها، دومین عنصر فرهنگ است و از نظر رتبه‌بندی بعد از باورها، قرار دارد. ارزش‌ها بر مبنای باورها، شکل می‌گیرد و به‌خوبی و بدی، درستی و نادرستی هر امری اشاره دارد. ارزش‌ها درواقع همانند یک نقشه، راه و شیوه‌ی

درست زندگی را به انسان‌ها می‌آموزد. (متقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲).

اهمیت ارزش‌ها در آن نهفته است که پایه‌ی ارزیابی ما را از پدیده‌ها، اطرافیان، طبیعت، نزدیکان، انسان‌های دیگر و جامعه، تشکیل می‌دهد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۷۰).

به عبارت دیگر، ارزش‌ها درواقع یک نوع درجه‌بندی و امتیازبندی پدیده‌ها است، از خوب تا بد، یا از مثبت تا منفی؛ و این ارزش‌ها است که گُش‌ها، اعمال و رفتار جامعه را در قالب هنجارهای فرهنگی تعیین می‌کند و به تعبیر گیدنز، ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند که در قالب هنجارها عینیت و نمود پیدا می‌کنند.

۵-۳. هنجارها

هنجارها، سؤمین عنصر فرهنگ است که بر مبنای دو عنصر پیشین، شکل می‌گیرد و به باید‌ها و نبایدهای اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد و شیوه‌ی رفتار درست را به ما می‌آموزد، درواقع، هنجارها مشخص می‌کند که چه کاری باید انجام شود و چه کاری نباید انجام شود. (متقی‌زاده، پیشین: ۱۹).

هنجارها، معیار یا قاعده‌ی رفتارهای ثابتی است که گروه به لحاظ فکری یا رفتاری، از افراد انتظار دارد که آن را رعایت کنند و غالباً از فرهنگی به فرهنگ دیگر، تغییر می‌کند. هنجارها به مثابه‌ی الگوهای رفتاری در موقعیت‌های عینی و مختلف تجلی می‌یابد و به منزله‌ی قالب‌های است که ارزش‌ها و باورها در آن‌ها، ریخته شده و نمود می‌یابد. اگر افراد و انسان‌ها از هنجارها پیروی نکنند، به صورت رسمی یا غیررسمی تنبیه می‌شوند. (رفیع‌پور، پیشین: ۲۷۲).

۵-۴. تکنولوژی

عنصر تکنولوژی، بُعد مادی فرهنگ را تشکیل می‌دهد و به اطلاعات، فنون و ابزارهایی اطلاق می‌شود که مردم برای ارضای امیال و نیازهای گوناگون خود از

آن‌ها بهره می‌گیرند و در یک کلام، تکنولوژی یعنی کاربرد دانش فنی در مدیریت حیات اجتماعی. (سجادی، ۱۳۸۱: ۷۵)

دو نوع تکنولوژی را می‌توان از جهت مفهومی و تحلیلی از یکدیگر متمایز نمود که عبارت‌اند از:

الف) تکنولوژی مادی: در گذشته تکنولوژی مادی به‌عنوان فرهنگ مادی در برابر فرهنگ معنوی قلمداد می‌شد، اما امروزه تکنولوژی مادی به دانش ساخت و به‌کارگیری ابزارها تعریف می‌گردد. (گلد، ۱۳۷۶: ۲۶۸).

ب) تکنولوژی اجتماعی: مقصود از این نوع تکنولوژی دانش یا معرفت، تأسیس، نگهداری و راه‌اندازی جنبه‌های تکنیکی جامعه است به‌بیان دیگر، به جهت اجتماعی بودن انسان، تأمین نیازهای اجتماعی او جز در پرتو زندگی اجتماعی، روابط اجتماعی، نظم اجتماعی و نظام اجتماعی امکان‌پذیر نیست و این امر، انسان‌ها را به‌سوی نهادسازی سوق داده است.

۵_۵. نمادها

نظام نمادها، عنصر چهارم فرهنگ را تشکیل می‌دهد. نمادها عبارت‌اند از: حامل‌های اطلاعات و پیام‌هایی که ما را قادر می‌سازند تا با روش‌هایی که برای سایر موجودات امکان‌پذیر نیست از اطلاعات و پیام‌های گوناگون استفاده کنیم. (نولان و لینسکی، ۱۳۸۰: ۶۳). نمادها به ما امکان می‌دهد که بسیاری از پیچیده‌ترین تجربیات خود را برای دیگران بیان کنیم.

صرف‌نظر از بسیاری از نظام‌های نمادین دیگر، مانند پرچم، زمان، مکان، حرکات بدنی و ...، اساسی‌ترین نظام نمادین در هر جامعه زبان مکالمه است. اعضای یک جامعه، زبان را برای توسعه‌ی توانایی خود در گفتار و نیز برای مستحکم‌تر ساختن شیرازه‌ی جامعه‌ی‌شان به‌کار می‌برند و زبان است که فرایندهای اساسی تفکر و تعقل را میسر می‌سازد و بار سنگین اطلاعات را به‌دوش می‌کشد. (نولان و لینسکی، پیشین: ۶۴).

زبان یکی از عناصر بسیار مهم فرهنگ است که در انتقال فرهنگ نقش اساسی دارد. درواقع، زبان گزارشگر شایسته‌ی همه‌ی جلوه‌های فرهنگی است. لذا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛ وَ مَا هِيَ بِلَامِبَرِي رَا جَز بَه زبَان قَوْم‌شان نفرستادیم تا حقایق را برای آنان تبیین نماید.» (ابراهیم/۴).
در مورد این آیه‌ی شریفه در تفسیر راهنما آمده است:

این آیه، بیانگر این مطلب است که در وهله‌ی نخست، همه‌ی انبیاء الهی، وظیفه داشتند که معارف الهی را در سطح فرهنگ مردم خویش، تبیین نمایند. دوم آن که مراد از «زبان قوم»، زبان فرهنگی مردم است، به‌خصوص با توجه به این که سطح فرهنگی مردم، متفاوت است و طبیعی است که رسولان الهی، می‌بایست همه‌ی مردم را در تبلیغ، مدنظر قرار دهند. (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۷۶: ج ۹، ۲۰)

قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، شیوه‌های کارآمدی زبان را در مسیر انتقال اندیشه و افکار یادآوری کرده‌اند. ازجمله قرآن کریم، چگونگی استفاده از زبان را با قید «سدید = استوار» بودن قول و گفتار یادآور شده است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (احزاب/۷۰)؛ یعنی مؤمنان موظف هستند که در گفتار خود، سخن درست و استوار بگویند که هم مصداق تقواست و هم عامل مغفرت و هم باعث آن که اعمال آنان از سوی خداوند، رو به صلاح رود.
درنهایت، زبان به‌طور خاص و نمادها به‌طور عام، نمی‌گذارند انسان‌ها اسیر محیط‌شان شوند؛ بلکه باید به‌جای منفعل بودن فعال گردند یعنی در اعمال‌شان متکی به خودشان باشند. (رتزر، ۱۳۸۳: ۲۸۵).

۶. فرهنگ آرمانی

فرهنگ آرمانی، تعریف مستقل از فرهنگ ندارد، بلکه تعاریفی را که برای

فرهنگ بیان کردیم، فرهنگ آرمانی را نیز شامل می‌شود. هرچند بروس کوئن، تعریفی را برای فرهنگ آرمانی ارائه نموده است. ایشان می‌گوید:

فرهنگ آرمانی به الگوهای رفتاری آشکار و رسماً پذیرفته‌شده اطلاق می‌شود، درحالی‌که فرهنگ واقعی به آن چیزی اطلاق می‌شود که مردم عملاً انجام می‌دهند. کم‌تر پیش می‌آید که عملکردهای واقعی انسان و الگوهای آرمانی یک جامعه، طی یک مدت طولانی، همچنان متفاوت باقی بمانند. در سراسر جوامع بشری، نمونه‌های تفاوت میان فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی، فراوان‌اند. برای مثال، از افراد جامعه انتظار می‌رود که در معامله با دیگران درست‌کاری و امانت را رعایت کنند، ولی در عمل و در بسیاری از موارد، تقلب و دروغ‌گویی در بازار معاملات رواج دارد. در مدرسه به کودکان و دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که به دیگران دروغ نگویند، ولی آنان در جامعه و در عمل می‌بینند که دروغ‌گویی چندان هم نادر نیست. (کوئن، پیشین: ۴۱).

بنابراین، فرهنگ آرمانی و مطلوب، فرهنگی است که نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها و جامعه‌ی بشری را به‌صورت تمام و کمال، برآورده سازد و سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها را تأمین نماید. از منظر قرآن و روایات، فرهنگ آرمانی انسان‌ها، فرهنگ اسلامی است که در قالب مهدویت مطرح گردیده است. فرهنگ مهدوی دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است که می‌تواند، جوامع بشری را به سعادت دنیوی و اخروی رهنمون گردد. فرهنگ مهدوی که با فطرت بشری کاملاً سازگاری دارد، می‌تواند همه‌ی انسان‌ها را جذب و تمام مایحتاج آن‌ها را مرتفع سازد.

در جامعه‌ی اسلامی، انسان‌ها بر اساس خرد جمعی، در آرزوی روزی هستند که به جامعه‌ی آرمانی و مدینه‌ی فاضله‌ی برسند که در آن، از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی و فقر آسوده باشند و از همه‌ی حقوق فردی و اجتماعی خویش بهره ببرند و چنین جامعه‌ای در زمان ظهور مهدی (عج)، تحقق می‌یابد.

۷. عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ آرمانی اسلام

فرهنگ و اندیشه‌ی آرمانی اسلام، افزون بر ظرفیت و توانمندی درونی جهت جذب افراد، از نظر عینی نیز دارای ویژگی‌هایی است که نارسایی‌های موجود در الگوهای بشری را جبران می‌کند. زیرا فرهنگ آرمانی اسلام، با فطرت و خواسته‌های معقول بشری ارتباط دارد که پذیرش اندیشه‌ی اسلامی را از حالت تحمیلی خارج و کلیه‌ی جوامع بشری را اقناع می‌کند. آموزه‌های اسلامی از آن رو که خواسته‌های معقول و فطری بشر را مورد توجه قرار داده است، از زمینه‌ها و مقتضیات مناسبی جهت فراگیر شدن و جهانگیر شدن بهره‌مند است.

آموزه‌های دینی به یک نکته‌ی مشترک میان تمام جوامع بشری بازمی‌گردد و آن خواست فطری و ماندگار بشر است. قوانین و دستورالعمل‌های اسلامی نیز دارای ماهیت فرازمانی و فرامکانی است و از ابتدا به گونه‌ای تنظیم و تدوین شده که خواست فطری و معقول بشر را در چارچوب فکری و فرهنگی متفاوت و متنوعی مورد توجه قرار داده است؛ از این رو منابع دینی، دین‌داری را امر فطری و غیرقابل دگرگونی یاد می‌کنند؛ بنابراین، قوانین اسلامی واجد صلاحیت و مقتضیات لازم برای فراگیر شدن است.

بر اساس دلالت آیات و روایات، فرهنگ آرمانی اسلام، در عصر ظهور، توسط امام عصر (عج)، بر مبنای باورهای اصیل اسلامی همچون توحید، نبوت، امامت، معادگرایی و بر پایه‌ی ارزش‌های حقیقی اسلام، همچون عدالت، امنیت، کرامت انسانی، عقلانیت، علم‌گرایی، رفاه عمومی و ...، تحقق می‌یابد که در این نوشتار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۷_۱. باورهای فرهنگ آرمانی اسلام

۷_۱_۱. توحیدمحوری

توحیدمحوری و یکتاپرستی، از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین باورهای فرهنگ آرمانی اسلام است. کلیه‌ی ارزش‌ها، قوانین، هنجارها، رفتارها، ارتباطات و کنش‌ها در این فرهنگ، بر محوریت توحید استوار است. توحید سرچشمه‌ی وحدت قانون‌گذاری و محور مشترک تمام جوامع بشری در جایگاه بندگان خدای یکتا است. بر اساس اندیشه‌ی توحیدی، نابرابری‌های طبقاتی و نژادی رنگ می‌بازد و همگان در صف واحد، پیرو دین واحد و فرمان‌بردار قانون الهی شناخته می‌شوند. حضرت مهدی (عج) جامعه‌ی چندپاره را بر محور توحید به وحدت و یکپارگی می‌رساند. در همین زمینه امام صادق (ع)، می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ... وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ...؛ زمانی که قائم ما قیام کند... پیرو هیچ دینی باقی نمی‌ماند مگر آن که اسلام را بپذیرد آیا نشنیده‌ای که خداوند فرموده است که همه‌ی اهل آسمان و زمین اسلام می‌آورند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۸).

البته وحدت ادیان و قوانین، نیازمند تکامل و رشد افکار بشری است و زمانی که بشر به بلوغ و رشد فکری و معنوی برسد، به‌صورت قهری از قوانین و ادیان متشتت سرخورده و مأیوس خواهد شد و به دین واحد که همان دین اسلام است، روی خواهد آورد.

این هدف همانا هدف مشترک میان جوامع بشری است که کلیه‌ی انسان‌ها را به‌دوراز تعلقت مادی و اعتباری بر محوریت «توحید» به هم می‌رساند؛ زیرا توحیدگرایی در فطرت انسان‌ها، ریشه دارد و انسان‌ها فطرتاً خداجوی است. بنابراین در هنگام تولد، ذهن انسان‌ها مانند لوح سفید نیست که هیچ‌چیزی در

آن وجود نداشته باشد. روایات و احادیث زیادی از معصومین (ع)، داریم که کلمه‌ی «فطرت» را در آیه‌ی شریفه‌ی: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۳۰ / روم) به معنای توحید تفسیر کرده‌اند:

۱. «هشام بن سالم از امام صادق (ع) نقل کرده است: که از ایشان در مورد آیه‌ی «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» پرسیدم، ایشان فرمود: التوحید.» (مجلسی، پیشین: ج ۵۲، ۳۳۸).

۲. «عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق درباره‌ی سخن خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» پرسیدم که فطرت چیست؟ ایشان فرمودند: فطرت همان اسلام و توحید است» (همان).

۳. «زراره می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد آیه‌ی شریفه‌ی «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» سؤال کردم. ایشان فرمودند: همه‌ی مردم از نظر فطرت توحیدمحور است» (همان).

۷_۱_۲. حاکمیت دین اسلام

یکی از باورهای اساسی در فرهنگ مهدوی، حاکمیت مطلق و فراگیر شدن دین اسلام، به‌عنوان کامل‌ترین ادیان آسمانی است. لذا ما در آیات قرآنی با حجم انبوهی از نویدها و بشارت‌ها روبه‌رو می‌شویم که حکایت از آینده‌ی روشن برای صالحان و مستضعفان دارد و غلبه‌ی اسلام بر دیگر ادیان را نوید داده است؛ اما بیانات کتاب مقدس در این زمینه مثل اغلب موارد دیگر، به‌رغم برخورداری از قاطعیت و جدّیت فوق‌العاده تا حدودی کلی است و نیاز به تبیین و توضیح بیشتری دارد که خوشبختانه پیشوایان دینی ما به‌عنوان شارحان و مفسران کلام وحی، به این مهم همت گمارده و مصادیق و شأن نزول آن‌ها را بیان کرده‌اند. ازجمله در آیه‌ی شریفه‌ی زیر، غلبه و پیروزی نهایی دین اسلام به‌وسیله‌ی

حضرت مهدی، وعده داده شده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی آئین‌ها غالب گرداند و لو مشرکین از آن، اکراه داشته باشند». (توبه/۳۳).

این آیه‌ی شریفه که چندین بار در قرآن کریم تکرار شده است، با صراحت تمام خبر از پیروزی دین اسلام، به عنوان دین حق و دین فطری، بر دیگر ادیان می‌دهد. هرچند مشرکان چنین چیزی را نمی‌خواهند و طبیعی است که در این راه سنگ اندازی خواهند کرد. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه‌ی شریفه، روایتی را به نقل از «تفسیر البرهان» از امام صادق (ع) به این مضمون نقل کرده است: «سوگند به خدا که تأویل این آیه هنوز رخ نداده است و رخ نخواهد داد تا زمانی که قائم قیام کند...» (طباطبایی، ۱۹۹۷: ج ۷۹، ۲۶۴) از این روایت چنین نتیجه می‌گیریم که پیروزی کامل اسلام منوط به ظهور منجی موعود یعنی امام زمان (ع) است. پس بشارت قرآنی به پیروزی اسلام بشارت ضمنی به ظهور منجی و حاکمیت فرهنگ مهدوی، نیز هست.

از آنجاکه دین اسلام و توحیدمحوری در فطرت انسان‌ها ریشه دارد، پذیرش فرهنگ اسلام به صورت داوطلبانه انجام می‌پذیرد نه از راه قهر و غلبه؛ زیرا دین که مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهاست، یک امر قلبی است که با زور و تحمیل در قلب انسان‌ها جای نمی‌گیرد. به همین دلیل در آیه‌ی شریفه‌ی فوق تعبیر «لیظهر» آمده است که به معنای ظهور و بروز و روشن شدن است. یعنی در زمان مهدی، حقانیت اسلام آن‌چنان مدلل و آشکار می‌شود که همه‌ی مردم به جز عده‌ی قلیل آن را می‌پذیرند. اگر زور، تحمیل و اجبار مطرح می‌بود، از واژه‌ی «لیغلب» استفاده می‌شد نه از واژه‌ی «لیظهر».

۷_۱_۳. میراث‌داری صالحان

یکی از باورهای مهم فرهنگ آرمانی اسلام که از آیات قرآن و روایات معصومین سرچشمه گرفته است، حکومت صالحان و شایستگان است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور بعد از ذکر (تورات)، نوشتیم که بندگان شایسته‌ام حاکم و وارث زمین خواهند شد». (انبیاء/۱۰۵).

منظور از وراثت زمین این است که بندگان صالح خداوند بر زمین و منافع آن مسلط می‌گردند و برکات زندگی در زمین نصیب آن‌ها می‌گردد. در تفسیر قمی ذیل این آیه‌ی شریفه آمده است که منظور از «بنندگان صالح خداوند» حضرت مهدی (عج) و یاران اوست. (طباطبایی، پیشین: ۳۳۸).

خداوند در آیه‌ی فوق، «عباد» را به خود نسبت داده و از این نسبت، مسئله‌ی ایمان و توحید این بندگان روشن می‌گردد. از کلمه‌ی «صالحون» نیز که معنای گسترده دارد، همه‌ی شایستگی‌ها به ذهن می‌آید؛ شایستگی از نظر رفتار، کردار، دانش، اطلاعات، قدرت نظم و درک و تدبیر مسائل اجتماعی. هنگامی که بندگان مؤمن خدا این شایستگی را پیدا کردند، خداوند آن‌ها را کمک می‌کند تا مستکبران زمین را محو و نابود گرداند و مؤمنین را وارث زمین قرار دهد.

از معنای فوق‌الذکر برای میراث‌داری زمین و مطابق برخی از تفاسیر مبنی بر این که منظور از صالحان امام زمان (ع) و اصحاب اوست، استفاده می‌شود که این آیه‌ی شریفه نیز پیروزی فرهنگ آرمانی اسلامی به رهبری آخرین پیشوای معصوم (ع) مسلمانان را نوید می‌دهد. قریب به این مضمون را آیه‌ی مبارکه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور نیز می‌رساند آنجا که به روشنی می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده داده است

که آن‌ها را در [روی] زمین خلیفه قرار دهد». (نور/۵۵).

مرحوم طبرسی، در تفسیر این آیه می‌گوید: بنا بر روایتی این آیه، در مورد حضرت مهدی (عج) و یاران ایشان است. (طبرسی، ۱۹۸۶: ج ۷، ۳۳۱). درمجموع، با الهام از آیاتی که مژده‌ی وراثت زمین را به صالحان و مؤمنان و فرجام قدسی را به جامعه‌ی بشری نوید داده است و نیز با بهره‌گیری از روایاتی که در ذیل این آیات مطرح شده‌اند، می‌توان نوعی آینده‌پژوهی دینی را تدوین و مطرح نمود که بر اساس آن، انسان‌ها به آینده‌ی روشن و شکل‌گیری جامعه‌ی مطلوب و فرهنگ آرمانی، نوید داده شده‌اند. (مؤسسه‌ی آینده‌ی روشن، پیشین: ۹۵).

۷-۱-۴. پیشوایی مستضعفان

یکی از باورهای مهم فرهنگ و جامعه‌ی آرمانی اسلام، پیشوایی مستضعفان است که این باور در زمان حاکمیت مهدی و یارانش تحقق می‌یابد؛ زیرا بر اساس روایات رسیده از معصومین (ع)، مستضعفان درواقع مهدی و یارانش می‌باشند: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم». (قصص/۵).

این آیه هرچند در مورد بنی‌اسرائیل مبنی بر رهایی‌شان از ستم فرعون نازل شده است اما تعبیر «ترید» حکایت از خواست مستمر الهی دارد ضمن این که در روایات رسیده از معصومین (ع)، این آیه‌ی شریفه بر ظهور امام زمان (عج) تطبیق شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۳۳۱). ازجمله در روایتی که مرحوم صدوق در «معانی‌الآخبار» از مفضل بن عمر نقل کرده است که امام صادق (ع) فرموده‌اند:

رسول خدا (ص) نگاهی به علی، حسن و حسین (ع) انداخت و آنگاه گریست

و فرمود شما مستضعفان بعد از من هستید. مفضل می‌گوید از امام پرسیدم این به چه معنا است؟ امام (ع) فرمود: معنایش این است که شما ائمه‌ی بعد از من هستید. [ائمه‌ی] که خداوند فرموده است: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» پس این آیه در مورد ما اهل بیت تا روز قیامت جاری است. امام علی (ع)، نیز در مورد این آیه فرموده است: که این آیه در مورد ما نازل شده است. (مجلسی، پیشین: ج ۲۴، ۱۷۱).

جهانی و فراگیر بودن فرهنگ آرمانی اسلام در قالب مهدویت، در حدیث زیر نیز به‌خوبی نمایان است:

«حکومت حضرت قائم، شرق و غرب عالم را فرامی‌گیرد و خداوند به‌وسیله‌ی ایشان دین خود را پیروز می‌سازد و لو مشرکین چنین چیزی را نمی‌خواهند.» (همان).

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید آیه‌ی شریفه دو بخش و درواقع، دو بشارت دارد؛ یکی امام‌شدن مستضعفان که به کمک روایت مذکور مصادیق آن روشن گردید و دیگری میراث‌داری (به معنای حکومت و سیطره‌ی مستضعفان، بر همه‌ی زمین)؛ و از آنجا که این بخش دوم در زمان دیگر ائمه‌ی ما به‌طور کامل محقق نگردیده است، پس در زمان ظهور آخرین ذخیره‌ی الهی عملی خواهد شد. بنابراین، آیه‌ی شریفه از آیاتی است که ظهور منجی موعود و تحقق فرهنگ آرمانی اسلام را بشارت می‌دهد.

۲.۷. ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ آرمانی اسلام

همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، هنجارها بر پایه‌ی ارزش‌ها شکل می‌گیرد، ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی است که در قالب هنجارهای فرهنگی بایددا و نبایدهای رفتاری را تعیین می‌کند؛ و به تعبیر گیدنز، ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند که در قالب هنجارها عینیت و نمود پیدا می‌کند. لذا ارزش‌ها و هنجارها از

یکدیگر تفکیک پذیر نمی باشند. در فرهنگ آرمانی اسلام، ارزش ها عبارت اند از: عدالت، علم گرایی، عقل گرایی، امنیت، رفاه همگانی که اعمال و رعایت آن ها در مقام عمل و رفتار، هنجار به شمار می روند.

۷_۲_۱. عدالت گستری

برقراری عدالت یکی از اهداف بسیار مهمی است که خداوند در آفرینش جهان هستی پیگیری نموده است تا جایی که نظام تکوین و تشریع را بر مبنای آن بنیان نهاده و آن را هدف عمده ی رسولان خود قرار داده و می فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا بین مردم به عدالت قیام کنند.» (حدید/۲۵).

پیامبر اکرم (ص)، در مورد اهمیت عدالت می فرماید:

«وَقِيلَ الْمَلِكُ يَبْقَى بِالْعَدْلِ مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى الْجُورُ مَعَ الْإِيمَانِ؛ حکومت با عدل و کفر باقی می ماند ولی با ظلم و ایمان دوام نمی آورد» (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۱۹).

عدالت در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و بلندی برخوردار است، ائمه ی ماتحت هیچ شرایطی از عدالت دست برنداشته اند. امام علی (ع) که عدالت مجسم و خود شهید راه عدالت است، در زمان حکومت عادلانه ی خویش، با تمام قوت و قدرت، عدالت را اجرا می نمود. ایشان که در مقام یک رهبر دینی و سیاسی، به اهمیت و ضرورت اجرای عدالت و لزوم پرهیز از ظلم و بیدادگری آگاهی کامل داشتند، در یکی از فرمایشات گهربار خویش می فرماید:

«وَقِيلَ الْمَلِكُ يَبْقَى بِالْعَدْلِ مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى الْجُورُ مَعَ الْإِيمَانِ؛ حکومت با کفر باقی می ماند ولی با ظلم هرگز دوام نمی یابد» (همان).

لذا امام علی (ع)، خودش در سخت ترین شرایط، حتی به قیمت به خطر

انداختن حکومت خویش، از اجرای عدالت دست برنداشته و می‌گوید:

به خدا سوگند اگر تمام شب و روز را روی خارهای سعدان، به سر ببرم و با غُل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، برایم گوارتر از آن است تا خدا را در حالی ملاقات کنم که بر بعضی از بندگان خدا ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم، چگونه به خاطر نفسی که رو به فرسودگی است و زمان ماندنش در خاک طولانی است، بر کسی ظلم و ستم نمایم ... به خدا قسم اگر هفت‌اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از دهان مورچه‌ی به ناحق بستانم، چنین چیزی نخواهم کرد. (دستی، ۱۳۷۶: ۴۹۵).

گسترش عدالت در سراسر جهان، یکی از اهداف اصلی و اساسی ائمه‌ی معصوم (ع) از جمله حضرت مهدی (عج) بوده و است. به همین دلیل، تقریباً در همه‌ی احادیثی که در مورد مهدویت وارد شده است رد پای از محو ظلم و برپایی عدالت مشاهده می‌شود؛ و این امر حاکی از آن است که در فرهنگ آرمانی اسلام (مهدویت)، عدالت به‌طور کامل در سراسر جهان، حاکم می‌شود و مردم در سایه‌ی حکومت مهدوی از ظلم و ستم، نجات پیدا می‌کنند. لذا در روایتی از پیامبر اسلام (ص) می‌خوانیم:

«شمارا به مهدی بشارت می‌دهم که در بین امت من برانگیخته می‌شود... سپس زمین را پُر از قسط و عدل می‌کند، چنان^{۲۳} که از ظلم و جور پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند و مال را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند» (مجلسی، پیشین: ج ۵۲، ۳۳۸).

در روایت دیگر، آمده است:

«زمانی که قائم ما (عج) قیام کند ... به خدا سوگند عدالت را آن‌گونه وارد خانه‌ها می‌سازد که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود.» (همان).

در روایت دیگری از پیامبر اسلام (ص) می‌خوانیم که:

«یا علی همین الان جبرئیل نزد من بود و بمن خبر داد که قائم ما که در آخرالزمان قیام می کند، زمین را از عدل لبریز می کند همان گونه که از ظلم و جور پرشده است. ایشان از نسل تو و فرزندت حسین (ع) است.» (همان).

۷_۲_۲. علم و ورزش

اسلام و فرهنگ اسلامی نه تنها علم و ورزش را ستایش می کند، بلکه آن را تقدیس کرده و عالم و دانشمند را مقدس می شمارد. در قرآن کریم، حدود هفت صد و هشتاد مرتبه از علم و ارزش آن، سخن به میان آمده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۲: ۱۸۲). خداوند در این آیات، بارها مردم را به علم و دانش اندوزی فراخوانده و از جهل و نادانی بر حذر داشته است. از جمله در آیهی شریفه می فرماید:

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند متعال، کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آن ها داده شده درجات عظیمی می بخشد...» (مجادله/۱۱).

در نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام (ص)، نازل گردیده است نیز ارزش علم و دانش بیان شده است و در آیات دیگر، دلیل برتری آدم بر فرشتگان را جنبه ی علم و دانش او معرفی نموده است: وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بنابراین، توسعه ی علم و دانش در فرهنگ آرمانی اسلام (مهدویت)، به آخرین درجه ی خود می رسد و انسان می تواند با استفاده از دانش گسترده ی خویش، بر طبیعت مسلط گردد و نیازهای خود را به بهترین وجه، برآورده سازد. (بقره/۳۱).

در حدیث آمده است:

«وَتُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛ در زمان او (مهدی) شما از حکمت برخوردار می شوید تا آنجا

که یک زن در خانه‌ی خود مطابق کتاب خدای تعالی و روش پیامبرش، تکالیف شرعی خود را انجام می‌دهد.» (مجلسی، پیشین: ج ۵۲، ۳۵۲).

توسعه‌ی علم و فن‌آوری که یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی عصر ظهور به شمار می‌رود به توسعه و رشد همه‌جانبه‌ی علم و آگاهی ناظر است. حدیثی در این زمینه جالب توجه است که بر اساس آن تمام داشته‌های علمی بشر فقط بخش اندکی از معارف و دانشی است که جوامع عصر ظهور بدان دست می‌یابند. از امام صادق (ع) چنین نقل شده است:

دانش ۲۷ حرف یا ۲۷ شعبه است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ اما هنگامی که خاتم ما قیام کند، ۲۵ حرف (۲۵ شاخه) دیگر را آشکار و میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف را به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود. (همان).

مطابق این حدیث تا زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، کم‌تر از هفت و نیم در صد علوم کشف می‌شود. احادیثی بسیار جالب دیگری در این زمینه وجود دارد که حاکی از علم گسترده و تسلط کامل انسان‌های عصر ظهور، بر طبیعت است که در جای خود بحث خواهد شد.

۳_۲_۷. امنیت همگانی

امنیت از نیازهای اولیه و ضروری جامعه است که انسان‌ها بدون آن نمی‌توانند به زندگی سالم همراه با آسایش و استفاده از مواهب مادی و معنوی دست یابند. لذا پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«دو نعمت است که پوشیده‌اند و انسان ارزش آن‌ها را تا زمانی که موجودند، درک نمی‌کند و یکی از آن دو امنیت است.» (حسینی، ۱۳۸۱: ۵۹).

امام صادق (ع) نیز در مورد ضرورت و اهمیت امنیت، فرمایش بسیار زیبایی

دارد:

«امنیت از اموری است که انسان بدون آن نمی‌تواند از زندگی لذت و بهره‌برد.» (کامل، ۱۳۷۶: ۵۹۷).

در نبود امنیت، چرخه‌های اقتصادی جامعه از حرکت بازمی‌ایستد و جامعه دچار کمبودها و کاستی‌هایی می‌شود که آن را از رشد و توسعه بازمی‌دارد. به همین دلیل است که امام علی (ع)، امنیت را یکی از اصول اساسی توسعه می‌داند و نظامیان و ارتشیان را عهده‌دار تأمین امنیت داخلی و دفاع از مسلمان در برابر حملات خارجی، دانسته و می‌فرماید:

ارتشیان و سپاهیان به فرمان خدا، دژهای محکم و استوار برای رعیت، برای حاکمان زینت و برای دین عزت است، امنیت راه‌ها و قوام مردم به ارتش و سپاهیان است...، لذا برای فرماندهی سپاه و ارتش کسی را انتخاب کن که خیرخواهی او برای خدا بیشتر، دامن او پاک‌تر، شکیبایی و صبرش عظیم‌تر باشد و از کسانی باشد که خشمش کم‌تر، عذرپذیرتر، با ضعیفان مهربان‌تر و با قدرتمندان جدی‌تر باشد. (دشتی، پیشین: ۵۶۷).

در عصر ظهور و حاکمیت فرهنگ آرمانی اسلام، امنیت جهان به بالاترین حد خود می‌رسد. احادیثی زیادی وجود دارد که امنیت را در فرهنگ مهدوی، به بهترین وجه توصیف نموده‌اند. در اینجا به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌شود:

«در زمان قیام قائم، راه‌ها امن می‌شود به گونه‌ای که اگر زنی از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد درحالی که جواهراتش را روی سرش گذاشته و از هیچ درنده‌خویی هراس نداشته باشد.» (مجلسی، پیشین: ج ۵۲، ۳۱۶).

در روایت دیگر، آمده است:

«در عصر ظهور حضرت مهدی (عج)، پیرزن ناتوانی از مشرق تا مغرب می‌رود و از هیچ کسی به او آسیبی نمی‌رسد.» (همان، ۳۴۳).

در نتیجه، همان‌گونه که ملاحظه شد، در فرهنگ مهدوی که همان فرهنگ آرمانی اسلام است، بشر قادر می‌شود که در تمام جنبه‌های زندگی، به درجه‌ی بالای از رشد و تعالی برسد و در سایه‌ی امنیت کامل که محصول فرهنگ مهدوی است، از زندگی سالم و لذت‌بخشی برخوردار شود.

۴_۲_۷. عقل‌گرایی

عقل‌گرایی و عقلانیت در اسلام و متون دینی، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است به‌گونه‌ی که در قرآن کریم انسان‌ها را صدها بار به تعقل و تدبّر دستور داده است. در فرهنگ آرمانی اسلام و در حکومت عادلانه‌ی حضرت مهدی (عج)، عقل و عقلانیت رشد پیدا می‌کند و به بالاترین درجه‌ی خود می‌رسد، در حدیث شریف آمده است که وقتی امام عصر (عج) قیام نماید دست خود را بر سر مردم می‌کشد و عقل آن‌ها شکوفا می‌شود:

«آنگاه که قائم ما قیام کند. دست خودش را بر سرهای بندگان خدا قرار می‌دهد و بدین‌وسیله عقول بندگان جمع و خردشان به کمال می‌رسد». (همان). به نظر می‌رسد که منظور از دست کشیدن، تصرف تکوینی نیست؛ بلکه ید نشانه‌ی قدرت است. یعنی در سایه‌ی حکومت و قدرت حضرت مهدی عقل‌ها شکوفا می‌شود. البته تصرف تکوینی و استفاده از معجزه نیز برای حضرت امکان‌پذیر است، ولی با توجّه به سیره‌ی سایر معصومین که از معجزه استفاده نکردند و کاملاً به‌صورت طبیعی رفتار می‌کردند، می‌توان گفت که حضرت مهدی (عج) نیز به‌طور طبیعی رفتار خواهد کرد.

۵_۲_۷. آبادانی و رفاه عمومی

در فرهنگ مهدوی و در سایه‌ی حکومت عادلانه‌ی ایشان، شهرها آباد و رفاه عمومی در جامعه گسترش می‌یابد، نابرابری‌ها و تبعیض‌ها از بین می‌رود. توزیع

عادلانه‌ی امکانات و خدمات، در فرهنگ آرمانی اسلام به‌عنوان یک اصل اساسی است. در احادیث آمده است که در عصر ظهور، رفاه عمومی و آبادانی به بالاترین درجه‌ی خودش خواهد رسید.

در مورد آبادانی، در روایتی از امام باقر (ع)، آمده است: «هنگامی که قائم ما قیام کند... هیچ خرابی باقی نمی‌ماند مگر این که آباد شود.» (همان، ۱۹۱).

در همین خصوص، در روایت دیگر می‌خوانیم: «حضرت مهدی یارانش را در همه‌ی شهرها می‌فرستد و به آنان دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه‌ی خود سازند و آن‌ها را فرمانروایان کشورهای جهان قرار داده و دستور می‌دهد که شهرها را آباد سازند» (کامل، پیشین: ۶۵۰). اما درباره‌ی رفاه عمومی، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، چنین می‌خوانیم: «عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ ع نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ؛ أُمَّتٌ مِنْ زَمَانٍ مَهْدِيٍّ بِه نِعْمَتِي مِي رَسَنَد كِه هِر گَز از مِثْل آن، بَه رِه مَنَد نَشْدِه اَنَد. آسَمَان بَر اِيشَان باران مِي فرسَند و زمين گِياهاَن و ميوه هَاي خُود را پَنهان نَمي كَند.» (مجلسی، پیشین: ج ۵۱، ۹۷).

همچنین آن حضرت فرموده است: «در دولت حضرت مهدی (عج)، مردم چنان در آسایش و رفاه به سر می‌برند که هرگز نظیر آن دیده نشده است ... مال به قدری فراوان می‌شود که هر کس نزد او بیاید و مالی بخواهد، ایشان می‌فرماید: بردار.» (همان، ۸۸).

امام باقر (ع) در این باره فرموده است: «وَوَيْسُ بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الزَّكَاةِ؛ أَنْ گاه كِه قائم قِيام كَند چنان مِيان مَرْدَم با مساوات رِفْطار مِي كَند كِه هِيچ مَحْتَاجِي بَه زَكَات را نَخواهي دِيد.» (همان، ج ۵۲، ۳۳۸).

در روایت دیگر آمده است که به دلیل افزایش رفاه عمومی و بی‌نیازی همه‌ی مردم، کسی صدقه را قبول نمی‌کنند.

«وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمِصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لِيُشْمُولَ الْغَنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛ در زمان مهدی (عج) کسی از شما پیدا نمی‌شود که صدقه یا انفاق را بپذیرد؛ زیرا تمام مردم از بی‌نیازی مالی برخوردارند.» (همان).

۳_۷. تکنولوژی‌های فرهنگ آرمانی اسلام

۱_۳_۷. ارتباطات پیشرفته

در فرهنگ آرمانی اسلام و حکومت مهدی (عج)، تکنولوژی از جمله وسایل ارتباطات، دچار تحوّل و پیشرفت عظیم و خیره‌کننده‌ای می‌شود. امام صادق (ع) فرموده است:

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند چنان چشم و گوش شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آن‌ها و قائم نامه‌رسانی نخواهد بود. با آن‌ها سخن می‌گویند و آن‌ها سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، درحالی که او در جای خویش است و آن‌ها در نقاط دیگر جهان هستند.» (کلینی، ۱۳۷۶: ج ۸، ۴۰).

در حدیث دیگر، آمده است:

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ در زمان قائم، مؤمن درحالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می‌بیند. همچنین کسی که در غرب است، برادرش را در شرق می‌بیند.» (مجلسی، پیشین: ۲۹).

ج ۵۲، ۳۹۱).

۲.۳.۷. سلاح‌های جنگی پیشرفته

با دقت به روایاتی که در مورد به کارگیری سلاح توسط حضرت مهدی و یارانش وارد شده‌اند، به‌طور قطع می‌توان گفت که سلاح‌ها و تجهیزات جنگی و دفاعی که ایشان مورد استفاده قرار می‌دهد، بسیار پیشرفته است و با دیگر سلاح‌های آن دوران متفاوت خواهد بود. هرچند در روایات واژه‌ی «سیف» یعنی شمشیر آمده است، شاید شمشیر کنایه از سلاح است نه این که خود شمشیر خصوصیت داشته باشد؛ زیرا بر اساس احادیث، سلاحی را که امام به کار می‌گیرد، دیوارهای شهر را فرومی‌ریزد یا شهر را تبدیل به پودر و خاکستر می‌کند. در روایتی از امام صادق (ع) چنین می‌خوانیم:

«لهم سیوف من حديد غير هذا الحديد لو ضرب أحدهم بسيفه جبلا لقلده حتى يفصله؛ یاران مهدی شمشیرهای از آهن دارند، ولی جنس آن، غیر از این آهن است. اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی ضربه زند، آن را دونیم می‌کند.» (حلی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

وسایل و تجهیزات دفاعی یاران مهدی به گونه‌ای است که اسلحه‌ی دشمن بر آنان، کارگر نیست. امام صادق (ع) در این زمینه فرموده است:

«لو أنهم وردوا علی ما بین المشرق و المغرب من الخلق لأفنوههم فی ساعة واحدة؛ یاران مهدی اگر با سپاه‌یانی که بین شرق و غرب را فراگرفته باشد، درگیر و وارد جنگ شوند، آنان را در لحظه‌ای نابود می‌کنند و سلاح‌های دشمن هرگز در آنان تأثیر نمی‌کند.» (همان).

۷_۳_۳. حمل و نقل پیشرفته

در زمان ظهور و در عصر حاکمیت فرهنگ آرمانی اسلام، مهدی و یارانش از وسایل بسیار پیشرفته‌ی حمل و نقل استفاده می‌کنند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرمود:

«خداوند ذوالقرنین را برای حمل و نقل، در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر ساخت. او ابر رام برگزید و آن ابری است که رعدوبرق ندارد و اگر ابر سخت را انتخاب می‌کرد، اجازه‌ی استفاده از آن را نداشت، زیرا خداوند ابر سخت را برای حضرت قائم ذخیره کرده است» (بحرانی، ۱۳۷۹: ۷۷).

از این روایت استفاده می‌شود که مهدی و یارانش به وسیله‌ی ابر از طریق آسمان، بسیار سریع در مکان‌های مختلف منتقل و حاضر می‌شوند. در روایت دیگر از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

«محمد بن جعفر عن أبيه ع قال إذا قام القائم بعث... يبعث جندا إلى القسطنطينية فإذا بلغوا إلى الخليج كتبوا على أقدامهم شيئا و مشوا على الماء؛ هنگامی که قائم ما قیام کند... لشکری به قسطنطنیه می‌فرستد. چون آنان به خلیج برسند، جمله‌ی بر روی پاهای خود می‌نویسند و از روی آب می‌گذرند.» (مجلسی، پیشین: ج ۵۲، ۳۶۵).

شاید انتقال به وسیله‌ی ابر در روایت اول و انتقال سریع از طریق راه رفتن روی آب، کنایه از تجهیزات و وسایل حمل و نقل پیشرفته‌ی هوایی و دریایی باشد. از رسول خدا (ص) نیز در این زمینه روایتی نقل شده است که می‌فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پایشان جمع می‌شود و دنیا به روی آنان گشوده می‌شود... زمین کمتر از یک چشم به هم زدن زیر پایشان طی می‌گردد.» (دیلمی، بی‌تا: ج ۲، ۴۴۹).

۸_۴. نمادهای فرهنگ آرمانی اسلام

۸_۵_۱. تکبیر

ندای تکبیر که در واقع همان ندای توحید است، از مهم‌ترین نمادهای فرهنگ مهدوی است. سپاهیان مهدی با قدرت فریاد تکبیر، دژها و قلعه‌های مستحکم دشمنان را فتح می‌کنند. در روایتی از رسول مکرّم اسلام (ص) چنین آمده است:

«حضرت مهدی جلوی قسطنطنیه فرود می‌آید، در آن روزگار، آن دژ، هفت دیوار دارد که حضرت مهدی هفت بار تکبیر می‌گوید و دیوارها با قدرت تکبیر فرومی‌ریزد و با کشتن تعداد از رومیان، آنجا به تصرف حضرت مهدی (عج) درمی‌آید و گروهی نیز به اسلام مشرف می‌شوند.» (همان).
امام علی (ع) نیز در این زمینه فرموده است:

«... سپس حضرت مهدی ویارانش به حرکت خود ادامه می‌دهند و بر هیچ دژی از دژهای رومیان نمی‌گذرند، مگر با گفتن «لا اله الا الله» دیوارهای آن، فرومی‌ریزد تا آن که در نزدیکی شهر قسطنطنیه فرود می‌آیند. در آنجا چند تکبیر می‌گویند و ناگهان دریایی که در مجاورت آن قرار دارد خشک می‌شود و آبش به زمین فرو می‌رود و دیوارهای شهر نیز فرومی‌ریزد. سه تکبیر می‌گویند و شهر همچون رمل و شن نرم که در برابر تندبادها قرار گرفته باشد، از هم می‌پاشد. (شافعی سلمی، ۱۹۷۹: ۱۳۹).

۸_۵_۲. مساجد

مساجد که نماد اصلی فرهنگ اسلامی است و در قرآن و روایات به ساخت و آبادانی آن، تأکید فراوان شده است، در عصر مهدویت، از رشد و توسعه‌ی چشمگیری برخوردار می‌شود. حبه‌ی عرنی می‌گوید: امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع)، هنگامی که به‌سوی سرزمین «حیره» رهسپار بود در این زمینه فرمود:

«... به‌طور حتم، در حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در داشته باشد و دوازده امام جماعت عادل در آن، نماز جماعت برگزار کنند. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! این گونه که توصیف می‌فرمایی، آیا مسجد کوفه گنجایش مردم را خواهد داشت؟ فرمود: چهار مسجد در آنجا ساخته می‌شود که کوچک‌ترین آن‌ها، مسجد کوفه خواهد بود. آنگاه حضرت به‌سوی رودخانه‌ی بصریین و رودخانه‌ی غربیین اشاره کرد» (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۳۵۳).

در حدیث دیگر، از ایشان در این خصوص می‌خوانیم:

«یسیر المهدی... حتی تبنی المساجد بالقسطنطنیة و مادونها؛ حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می‌دهد... تا این که به قسطنطنیه و نزدیک آن، مساجد بسیاری ساخته می‌شود.» (همان).

مفضل از امام صادق (ع)، نقل کرده است که ایشان فرمود:

«زمانی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، در بیرون از شهر کوفه مسجدی خواهد ساخت که هزار در داشته باشد.» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۶۲).

شاید مراد از «ظهرالکوفه» که در حدیث آمده است، شهر نجف باشد؛ زیرا دانشمندان، از نجف اشرف به ظهرالکوفه تعبیر کرده‌اند. (طبسی، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

روایتی که از امام باقر (ع) وارد شده است نیز این امر را تأیید می‌کند:

«...سپس مهدی به غری می‌روند و مسجدی را که هزار در دارد بنا می‌کند.» (حر عاملی، ۱۳۶۴: ج ۳، ۵۱۵).

بنابراین، مسجد که محل عبادت، آموزش، تربیت و از نمادهای مهم فرهنگ اسلامی است، در عصر مهدوی از رشد و توسعه‌ی قابل توجهی برخوردار می‌شود.

۸-۵-۳. پرچم

از آنجاکه حضرت مهدی، میراث‌دار پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) است؛ لذا میراث‌های خاص، از همه‌ی پیام‌آوران خدا به برترین و آخرین پیامبر یعنی پیامبر اسلام و سپس به امام علی و پس از او به ترتیب به جانشینان بر حق آنان رسید تا این که به آخرین جانشین معصومین، یعنی مهدی موعود انتقال یافت و اینک در اختیار ایشان است. یکی از این میراث‌های گران‌بها که نماد فرهنگ مهدوی است، پرچم مقدسی است که در زمان ظهور، توسط حضرت مهدی (عج) به اهتزاز درمی‌آید. امام باقر (ع) در این زمینه فرموده است:

«إذا ظهر القائم ظهر برأیة رسول الله و خاتم سليمان و حجر موسى و عصاه؛ هنگامی که قائم ظهور کند با پرچم ویژه‌ی پیامبر، انگشتر سلیمان، سنگ و عصای

موسی ظاهر می‌شود.» (نعمانی، ۱۳۷۹: ۲۳۸).

از امام صادق (ع) نیز در این زمینه روایتی نقل شده است که جالب توجه است:

جبرئیل در روز بدر، آن پرچم را برای پیامبر آورده و آن حضرت آن را گستراند و به اهتزاز درآورد، آنگاه پس از پیروزی آن را پیچید و به امیر مؤمنان (ع) داد و در روز جنگ بصره نزد آن حضرت بود، در آنجا آن پرچم را گستراند و به اهتزاز درآورد و پس از پیروزی، بار دیگر آن را بست و به امام حسن مجتبی داد و... اکنون آن پرچم پیروزی‌بخش نزد ما خاندان پیامبر است و کسی آن را نخواهد گشود تا قائم ما قیام کند و آنگاه است که او پس از قیام، پرچم ویژه‌ی پیامبر را خواهد گشود. (همان، ۳۰۷).

در روایتی دیگر از امام باقر (ع) آمده است که ایشان به ابوحمزه‌ی ثمالی فرمود:

«گویا قائم اهل بیت را می‌بینم که وارد نجف می‌شود و هنگامی که به بالاترین نقطه می‌رسد، پرچم رسول خدا را می‌گشاید. زمانی که پرچم باز شد، فرشتگانی که در جنگ بدر حضور داشتند، بر او فرود می‌آیند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۰۳).

جالب این که در روایات دیگر، حتی شعار روی پرچم نیز بیان شده است. از جمله در حدیثی آمده است:

«بر روی پرچم حضرت مهدی نوشته شده است: گوش شنوا داشته باشید و از حضرتش اطاعت کنید.» (همان).

در جای دیگر، راجع به شعار روی پرچم حضرت مهدی (عج) می‌خوانیم:

«شعار روی پرچم مهدی، «البیعه‌ی لله» است.» (ابن طاووس، ۱۹۹۶: ۶۸).

درواقع حضرت مهدی ادامه‌دهنده‌ی راه پیامبران الهی و ائمه‌ی معصومین است و با ظهور خویش، کج‌روی‌ها و انحرافات را که در طول تاریخ در ادیان الهی

به وجود آمده است، اصلاح می‌کند و اسلام ناب را در جامعه حاکم می‌سازد.

نتیجه

در فرهنگ آرمانی اسلام که در قالب مهدویت مطرح گردیده است، درمی‌یابیم که با ظهور آخرین منجی، انسان‌ها در سایه‌ی رهنمودهای حضرت مهدی (عج) که برگرفته‌شده از قرآن و سنت و مطابق فطرت انسان‌هاست، به آخرین درجه‌ی تکامل مادی و معنوی دست می‌یابند. در عصر ظهور و حاکمیت فرهنگ آرمانی اسلام، نه تنها بشر قدرت تأمین نیازهای ضروری خود را دارد، بلکه به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی و ارتقای سطح زندگی همراه با رعایت ارزش‌ها و هنجارهای دینی و انسانی، به بالاترین درجه‌ای از تکامل مادی و معنوی دست می‌یابند.

به طور کلی، بشر به جایی می‌رسد که با ترجیح دادن معنویت و ارزش‌های دینی، بر حرص، طمع، منافع شخصی و مادی پیروز می‌شود و مادی‌گرایی جای خود را به کمال‌جویی و کسب ارزش‌های معنوی می‌دهد. فرهنگ مهدوی، تمام نیازهای انسان اعم از مادی و معنوی را به بهترین وجه برآورده می‌سازد و انسان را به جایگاه اصلی‌اش که مقام جانشینی خدا در روی زمین است، رهنمون می‌گردد و سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها را تأمین می‌نماید.

گفتنی است که توسعه و پیشرفت در فرهنگ آرمانی اسلام، از درون افراد سرچشمه می‌گیرد. لذا در این فرهنگ، تلاش می‌شود تا با ارتقای درونی و تعالی روحی، افراد را به مولّدی تبدیل کند که هدفش نه تنها رشد و توسعه‌ی مادی باشد، بلکه رشد و توسعه‌ی معنوی را هدف اصلی و توسعه‌ی مادی را در راستای توسعه‌ی معنوی، در نظر می‌گیرد؛ زیرا چنان‌که بیان گردید، شاخص‌ها و ویژگی‌های اصلی فرهنگ آرمانی اسلام، کاملاً با فطرت و خصوصیات انسانی انسان‌ها سازگاری دارند.

توحیدمحوری، پیروزی دین اسلام، حاکمیت صالحان، پیشوایی مستضعفان،

عدالت‌گستری، عقل‌گرایی، علم‌ورزی، تأمین امنیت همگانی، رفاه عمومی و در یک کلام تأمین همه‌ی نیازهای مادی و معنوی بشریت، از ویژگی‌های فرهنگ مهدوی است؛ که همه‌ی این‌ها در راستای محوریت توحیدباوری، تحقق می‌یابد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن؛ العلل المتناهیة؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۴. ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۹۹۶ م.
۵. ابن عیاش سمرقندی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۶. آشوری، داریوش و دیگران؛ چشم‌اندازهای فرهنگ (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی بهروز منتظمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
۷. افروغ، عماد؛ فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی؛ تهران: مؤسسه‌ی فرهنگ و دانش، ۱۳۷۹.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ غایه‌ی المرام فی حجه الخصام عن طریق الخاص و العام؛ ترجمه‌ی محمدتقی دزفولی، تهران: نشر آمه، ۱۳۷۹.
۹. جمعی از نویسندگان؛ قرآن و توسعه فرهنگی؛ تهران: نشر فرهنگ مشرق‌زمین، ۱۴۲۴ ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ اثباه الهداه بالنصوص والمعجزات؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تهران: المکتبه‌ی الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

۱۲. حسینی مرعشی تستری، شهید قاضی نورالله؛ احقاق الحق و ازهاق الباطل؛ قم: کتابخانه‌ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی،

۱۳. حسینی، سیدهادی؛ فقر و توسعه در منابع دینی؛ مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۴. حلی، حسن بن سلیمان؛ مختصر بصائر الدرجات؛ قم: مکتبه العلامه مجلسی، ۱۳۸۸ ق.

۱۵. دشتی، محمد؛ شرح نهج البلاغه؛ قم: مؤسسه‌ی پژوهشی امیرالمؤمنین؛ ۱۳۷۶.

۱۶. دنی کوش؛ مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی؛ ترجمه‌ی فریدون وحید؛ تهران: سروش ۱۳۸۱.

۱۷. دیلمی، شیرویه بن شهردار؛ فردوس الاخبار؛ بیروت: بی‌نا، ۱۹۸۷ م.

۱۸. رترز، جرج؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه‌ی محسن ثلاثی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۳.

۱۹. رفیع‌پور، فرامرز؛ آناتومی جامعه؛ تهران: انتشار، ۱۳۷۷، ص ۷۰.

۲۰. روح الامینی، محمود؛ زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی؛ تهران: نشر عطار، ۱۳۶۵، ص ۱۸.

۲۱. سایت انترنتی ظهور (<http://www.zohour.ir>).

۲۲. سجادی، عبدالقیوم؛ درآمدی بر اسلام و جهانی شدن؛ قم: بستان کتاب، ۱۳۸۱.

۲۳. سلمی، یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی؛ عقدالدرر فی اخبار المنتظر؛ قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۹۷۹ م.

۲۴. سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ جامعه‌شناسی: اصول، مبانی و مسائل اجتماعی؛ تهران: نشر مرنديز، ۱۳۷۳.

۲۵. شعیری، تاج‌الدین؛ معانی الاخبار؛ قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳.

۲۶. طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، طبعه‌ی الاولى ۱۹۹۷ م.

۲۷. طبرسی؛ مجمع البیان؛ بیروت: انتشارات دارالمعرفه، ۱۹۸۶.

۲۸. طوسی، محمدبن حسن، الغیبه؛ قم: مؤسسه‌ی معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۲۹. طوسی، محمدبن حسن؛ التهذیب الاحکام فی شرح شرایع الاسلام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۳۰. عیاشی، محمدبن مسعود بن عیاش سمرقندی؛ تفسیر عیاشی؛ تهران: چاپخانه‌ی علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۳۱. کامل، سلیمان؛ یوم الخلاص؛ ترجمه‌ی علی اکبر مهدی پور، قم: نشر آفاق، ۱۳۷۶.

۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ قم: انتشارات اُسوه، ۱۳۷۶.

۳۳. کوئن، بروس؛ درآمدی به جامعه‌شناسی؛ ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چاپ هفدهم، ۱۳۸۸.

۳۴. کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۳۷۸.

۳۵. گولد، جولیس؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ گروه مترجمان، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.

۳۶. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.

۳۷. مؤسسه‌ی آینده‌ی روشن؛ مجموعه مقالات؛ قم: مؤسسه‌ی آینده‌ی روشن، ۱۳۸۶.

۳۸. متقی‌زاده، زینب؛ جهانی شدن فرهنگ مهدوی؛ قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۸.

۳۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۴۰. مجلسی، محمدباقر؛ مهدی موعود (ترجمه‌ی جلد ۱۳ بحارالانوار)؛ ترجمه‌ی علی دوانی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۳.
۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن؛ قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش عقاید؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.
۴۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
۴۴. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۴۵. مفید، محمدبن محمد بن نعمان؛ الارشاد؛ قم: کنگره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۶. نجم الدین طبری؛ نشانه‌هایی از دولت موعود؛ قم: بستان کتاب؛ ۱۳۸۵.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبه؛ تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۴۸. نوری طبرسی، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه‌ی آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۴۹. نولان، پاتریک و گرهارد لینسکی؛ جامعه‌های انسانی؛ ترجمه‌ی ناصر موفقیان تهران: نشرنی، ۱۳۸۰.
۵۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران؛ تفسیر راهنما؛ قم: بستان کتاب، ۱۳۷۶.